

مرد

رابطه مصدق و حزب توده قبل وبعد از کودتا

● محمد مصدق که بعد از سقوط رضاشاه، از تبعید به عرصه سیاست بازگشته بود، در سال ۱۳۲۸ با چندین حزب وارد اتحاد شد و با همکاری حسین فاطمی به تأسیس جبهه ملی ایران اقدام کرد. مصدق در سال ۱۳۳۰ به نخست‌وزیری رسید و در اولین قدم، نفت ایران را ملی کرد. به‌همین‌دلیل طرح سقوط دولت او از سوی انگلستان که تا قبل از ملی‌شدن نفت، صاحب عمده نفت ایران بود، ریخته شد و سرانجام در کودتای ۲۸ مرداد که توسط سازمان سیا انجام شد، دولت مصدق ساقط شد. یک سال پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که منجر به حذف ملی‌گرایان از صحنه سیاسی ایران شد، تظاهرات طرفداران مصدق در روز ۳۰ تیر باعث بازگشت مجدد مصدق به مجموعه دولت و عقب‌نشینی شاه شد. در این رویداد گروه‌ها و عوامل مختلفی در ایران خارج دخیل بودند که بررسی نقش هرکدام جای تامل دارد.

یکی از بازیگران سیاسی این رویداد، حزب توده ایران بود. حزب توده در فاصله زمانی اردیبهشت ۱۳۳۰ یعنی زمانی که مصدق به قدرت می‌رسد تا ۳۰ تیر ۱۳۳۱ مواضع تنّی در برابر ملی‌گرایان و شخص مصدق می‌گیرد و در مناقشه نفت، به این دلیل از مصدق و جبهه ملی پشتیبانی نمی‌کند که آنها را جریانِ متکی به آمریکا می‌شمارد؛ اما بعد از آن رویه خود را تغییر می‌دهد. حزب توده در قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در موضع‌گیری‌های پیشین خود تجدیدنظر می‌کند و به صحنه مصدق مبارزات و حمایت از مصدق وارد می‌شود. رهبری حزب سال‌ها بعد و در قطع‌نامه پلنوم چهارم کمیته مرکزی حزب می‌گوید: «در حادثه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ ما دیرتر از بورژوازی ملی و تازه آن هم پس از آنکه بخشی از توده حزبی به ابتکار خود جنید، وارد صحنه شدیم.» در روزهای کودتا نیز حزب توده با وجود اینکه ادعا می‌کند از سازماندهی برای کودتا آگاهی داشته، در امتداد بی‌عملی ملت در سکوت فرومی‌رود و اقدامی انجام نمی‌دهد.

درباره رابطه مصدق و حزب توده و نقش این حزب در ماجرای منتهی به کودتای ۲۸ مرداد نظرات متفاوتی وجود دارد. کتاب «کارنامه مصدق و حزب توده» یکی از منابع مهم و دست‌اول درباره دوران نخست‌وزیری مصدق و نقش حزب توده در آن دوران است. این کتاب دست‌نوشته‌های «ارسلان پوریا» یکی از شاهدان عینی کودتاست؛ پوریا از اعضای پیشین حزب توده ایران و معاون نادر شرمینی در سازمان جوانان توده بود که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به زندان افتاد. این کتاب حاصل پژوهش‌ها و تجربه‌های شخصی او از دوران نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق و نقش حزب توده در آن دوران است. تاریخ شروع کتاب به روز سوم شهریور ۱۳۲۰ و پایان آن به روزهای بعد از کودتا پیش از زندانی‌شدن نویسنده بازمی‌گردد. حزب توده به‌عنوان وارث سوسیال‌دموکراسی عهد مشروطه و حزب کمونیست ایران و توسط روشنفکران و فعالان چپ‌گرا و ملی‌گرایی تأسیس شده بود که افکار در دوره رضاشاه تحت تعقیب یا در زندان بودند. این حزب در دهه ۱۳۲۰ به یکی از بازیگران اصلی سپهر سیاسی ایران تبدیل شد، پس از کودتای ۲۸ مرداد و افشای سازمان افسری، حزب با سرکوب گسترده‌ای از سوی حکومت روبه‌رو شد و صدها افسر ارتش ایران به‌دلیل عضویت در این حزب به اعدام، زندان و تبعید محکوم شدند. در زمان کودتا، حزب توده نیروی اساسی آزادی را در بیرون از مرزهای کشور می‌دید و پیکار درونی ایران را یک زائده فرعی غیراساسی و تابع سیاست‌های جهانی می‌پنداشت. برای نشان‌دادن این منطق حزب توده، بخشی از دفترچه «راه حزب توده ایران» در این کتاب منتشر شده است.

در یادداشت ابتدای کتاب به قلم ارسلان فصیحی آمده: «بنا به نوشته زنده‌یاد خسرو شاکری که نخستین‌بار این کتاب را در انتشارات مزدک منتشر کرد، شخصِ دکتر مصدق متن اولیه کتاب را دیده و حک و اصلاح کرده بوده. نخستین بخش وسیع ولی مخفی آن نیز با مقدمه مصطفی شجاعیان صورت گرفته بوده.» این کتاب در زمان خود نخستین تلاش از سوی یکی از اعضای سابق حزب توده در نقد و نفی رویکرد آن حزب نسبت به نهضت ملی محسوب می‌شد. انتشار متن کامل این کتاب، سند مهمی در اختیار علاقه‌مندان به تاریخ معاصر ایران و نیز پژوهشگران تاریخ قرار داده تا با شناختی دقیق، به دور از غرض و پیش‌داوری بتوانند با بخشی از گذشته مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی مردم ایران آشنا شوند.

کارنامه مصدق و حزب توده ارسلان پوریا

ناشر: ققنوس
قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

جلد کتاب

مرد

تأثیر کودتای ۲۸ مرداد بر تقویت ذهنیت توطئه‌پنداری در ایران

محمدابراهیم فتاحی

به طور کلی دیدگاه مبتنی بر تئوری توطئه از جمله رویکردهای غالب در اکثر جوامع، به‌ویژه جوامع ضعیف و گرفتار مشکلات و ناتوان در حل آنهاست. این رویکرد دارای کارکردی دوگانه در سطح فردی و اجتماعی/سیاسی است. از نظر فردی گرایش افراطی به این امر به منزله پوششی روانی برای توجیه ناکامی‌هاست. انسان توطئه‌اندیش با فروکاستن کلیه حوادث و پیامدهای زندگی فردی و اجتماعی به امری واحد یعنی اقدامات شریانه دیگران نقش خود را نادیده می‌گیرد به طوری که در گرایش‌های روانی افراطی همه رویدادها را به دیگران یا نیت سوء نسبت داده و حتی اقدامات بی‌ارتباط دیگران را در ارتباط با خود و علیه موجودیت خود تصور می‌کند. روایت این دسته از شخصیت‌ها در طنز کم‌ظنیر ایرج پزشک‌زاد «دایی جان ناپلئون» به خوبی به تصویر کشیده شده است. گرایش

به این رویکرد در بعد سیاسی نیز کارکردی کم‌وبیش همانند رویکرد فردی آن دارد. بازیگران عرصه سیاسی و اجتماعی نیز در پی پوشاندن ضعف‌های خود، مشکلات و ناکامی‌های خود را به توطئه و اقدامات بیگانگان نسبت داده و از این طریق مسئولیت‌های خود را نادیده می‌گیرند. مسئله اساسی در این رویکرد این است که در تحلیل‌های مبتنی بر این دیدگاه هیچ‌گونه اصلاتی برای عوامل داخلی زمینه‌ساز دسیسه‌ها و نقش افراد و نیروهای اجتماعی، رقابت‌های سیاسی، حوادث طبیعی و موارد نظیر آن در نظر گرفته نشده و این پیچیدگی‌ها به یک پدیده واحد-توطئه- تقلیل می‌یابد.

البته طرح این موضوع به معنای انکار وجود دخالت‌های مختلف ازجمله مداخله و توطئه خارجی در مسائل داخلی نیست. در تاریخ هر کشوری می‌توان فهرست بلندی از این امر را مشاهده کرد. این دخالت‌ها از جمله کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، پیامدهای دیرپایی را در فرهنگ سیاسی و اجتماعی و به طور کلی ذهنیت افراد بر جای گذاشت که تقویت توطئه‌پنداری و تعمیم آن به دیگر رویدادهای اجتماعی از جمله آن است. نوشته پیش‌رو تأثیر کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را بر تقویت ذهنیت توطئه‌پنداری در ایران بررسی کرده است. این نوشته در واقع گزیده‌ای است که از بخش پایانی کتاب «کودتا» نوشته یرواند آبراهامیان استخراج شده است؛ دیرپاترین تأثیر کودتا، اثرگذاری آن بر حافظه جمعی مردم ایران بود. این اقدام نه تنها نگاه پارانوئید (توطئه‌اندیشی) غالب در فرهنگ سیاسی ایران را تشدید کرد بلکه آمریکا را نیز به این تصویر اضافه کرد. شهروندانی که صرف‌نظر از ایدئولوژی، دارای آگاهی سیاسی بودند اکنون بیش از گذشته متقاعد شده بودند که قدرت واقعی در «دست‌های پنهانی» قرار دارد و چهره‌های فعال در عرصه ملی صرفاً «عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی» هستند که با «بندهای خارجی» کنترل

به این رویکرد در بعد سیاسی نیز کارکردی کم‌وبیش همانند رویکرد فردی آن دارد. بازیگران عرصه سیاسی و اجتماعی نیز در پی پوشاندن ضعف‌های خود، مشکلات و ناکامی‌های خود را به توطئه و اقدامات بیگانگان نسبت داده و از این طریق مسئولیت‌های خود را نادیده می‌گیرند. مسئله اساسی در این رویکرد این است که در تحلیل‌های مبتنی بر این دیدگاه هیچ‌گونه اصلاتی برای عوامل داخلی زمینه‌ساز دسیسه‌ها و نقش افراد و نیروهای اجتماعی، رقابت‌های سیاسی، حوادث طبیعی و موارد نظیر آن در نظر گرفته نشده و این پیچیدگی‌ها به یک پدیده واحد-توطئه- تقلیل می‌یابد. البته طرح این موضوع به معنای انکار وجود دخالت‌های مختلف ازجمله مداخله و توطئه خارجی در مسائل داخلی نیست. در تاریخ هر کشوری می‌توان فهرست بلندی از این امر را مشاهده کرد. این دخالت‌ها از جمله کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، پیامدهای دیرپایی را در فرهنگ سیاسی و اجتماعی و به طور کلی ذهنیت افراد بر جای گذاشت که تقویت توطئه‌پنداری و تعمیم آن به دیگر رویدادهای اجتماعی از جمله آن است. نوشته پیش‌رو تأثیر کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را بر تقویت ذهنیت توطئه‌پنداری در ایران بررسی کرده است. این نوشته در واقع گزیده‌ای است که از بخش پایانی کتاب «کودتا» نوشته یرواند آبراهامیان استخراج شده است؛ دیرپاترین تأثیر کودتا، اثرگذاری آن بر حافظه جمعی مردم ایران بود. این اقدام نه تنها نگاه پارانوئید (توطئه‌اندیشی) غالب در فرهنگ سیاسی ایران را تشدید کرد بلکه آمریکا را نیز به این تصویر اضافه کرد. شهروندانی که صرف‌نظر از ایدئولوژی، دارای آگاهی سیاسی بودند اکنون بیش از گذشته متقاعد شده بودند که قدرت واقعی در «دست‌های پنهانی» قرار دارد و چهره‌های فعال در عرصه ملی صرفاً «عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی» هستند که با «بندهای خارجی» کنترل

به این رویکرد در بعد سیاسی نیز کارکردی کم‌وبیش همانند رویکرد فردی آن دارد. بازیگران عرصه سیاسی و اجتماعی نیز در پی پوشاندن ضعف‌های خود، مشکلات و ناکامی‌های خود را به توطئه و اقدامات بیگانگان نسبت داده و از این طریق مسئولیت‌های خود را نادیده می‌گیرند. مسئله اساسی در این رویکرد این است که در تحلیل‌های مبتنی بر این دیدگاه هیچ‌گونه اصلاتی برای عوامل داخلی زمینه‌ساز دسیسه‌ها و نقش افراد و نیروهای اجتماعی، رقابت‌های سیاسی، حوادث طبیعی و موارد نظیر آن در نظر گرفته نشده و این پیچیدگی‌ها به یک پدیده واحد-توطئه- تقلیل می‌یابد.

البته طرح این موضوع به معنای انکار وجود دخالت‌های مختلف ازجمله مداخله و توطئه خارجی در مسائل داخلی نیست. در تاریخ هر کشوری می‌توان فهرست بلندی از این امر را مشاهده کرد. این دخالت‌ها از جمله کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، پیامدهای دیرپایی را در فرهنگ سیاسی و اجتماعی و به طور کلی ذهنیت افراد بر جای گذاشت که تقویت توطئه‌پنداری و تعمیم آن به دیگر رویدادهای اجتماعی از جمله آن است. نوشته پیش‌رو تأثیر کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را بر تقویت ذهنیت توطئه‌پنداری در ایران بررسی کرده است. این نوشته در واقع گزیده‌ای است که از بخش پایانی کتاب «کودتا» نوشته یرواند آبراهامیان استخراج شده است؛ دیرپاترین تأثیر کودتا، اثرگذاری آن بر حافظه جمعی مردم ایران بود. این اقدام نه تنها نگاه پارانوئید (توطئه‌اندیشی) غالب در فرهنگ سیاسی ایران را تشدید کرد بلکه آمریکا را نیز به این تصویر اضافه کرد. شهروندانی که صرف‌نظر از ایدئولوژی، دارای آگاهی سیاسی بودند اکنون بیش از گذشته متقاعد شده بودند که قدرت واقعی در «دست‌های پنهانی» قرار دارد و چهره‌های فعال در عرصه ملی صرفاً «عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی» هستند که با «بندهای خارجی» کنترل

به این رویکرد در بعد سیاسی نیز کارکردی کم‌وبیش همانند رویکرد فردی آن دارد. بازیگران عرصه سیاسی و اجتماعی نیز در پی پوشاندن ضعف‌های خود، مشکلات و ناکامی‌های خود را به توطئه و اقدامات بیگانگان نسبت داده و از این طریق مسئولیت‌های خود را نادیده می‌گیرند. مسئله اساسی در این رویکرد این است که در تحلیل‌های مبتنی بر این دیدگاه هیچ‌گونه اصلاتی برای عوامل داخلی زمینه‌ساز دسیسه‌ها و نقش افراد و نیروهای اجتماعی، رقابت‌های سیاسی، حوادث طبیعی و موارد نظیر آن در نظر گرفته نشده و این پیچیدگی‌ها به یک پدیده واحد-توطئه- تقلیل می‌یابد.

از اواخر دهه ۱۳۲۰ شمسی جنبشی حول محور تقاضا برای ملی‌شدن صنعت نفت ایران ظهور کرد که در میان مردم محبوبیت یافت و رقیب حزب توده شد. کنترل بریتانیا بر صنعت نفت ایران با مخالفت‌های شدید مواجه بود و ایرانیان آن را استثمار اقتصادی بی‌شرمانه و تجاوز به سیادت ملی ایران تلقی می‌کردند. ظهور و سقوط مصدق عموماً نقطه عطفی سرنوشت‌ساز در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود که در آن با دخالت انگلیس و آمریکا شانس ایران برای پیمودن مسیری مستقل با یک رژیم سکولار ملی‌گرا را باد رفت. مصدق که ملی‌شدن صنعت نفت و سیادت ملی را همسنگ می‌دانست، محبوبیت فوق‌العاده‌ای به دست آورد و همین امر وحشت و مخالفت شدید بریتانیایی‌ها را برانگیخت. شاه در تابستان ۱۳۳۱ به خواست بریتانیا مصدق را عزل کرد. اما اوج اعتراضات مردمی باعث بازگرداندن مصدق به نخست‌وزیری شد. مصدق پس از آن مظهر مخالفت با بریتانیا و نظام سیاسی محافظه‌کار ایران شد. با تشدید مخالفت مصدق با بریتانیایی‌ها، ایالات متحده نیز در مقابل او قرار گرفت و به عملیات مخفیانه برای بی‌ثبات‌کردن و سقوط دولت او پیوست. در همان زمان تجزیه جبهه ملی شروع شد، بخش سکولار و جناح اسلامی راست آن به نیروهای پیوستند که از برنامه انگلیسی-آمریکایی برای برکناری مصدق پیروی می‌کردند. اواسط مرداد ۱۳۳۲ مصدق در نتیجه کودتایی نظامی که سیا سازماندهی کرده بود، سقوط کرد. این بحران نفتی انگلیس را به تحریم اقتصادی و ترک ایران واداشته بود؛ به‌این‌ترتیب نقشه پنهانی بریتانیا برای سقوط مصدق را آمریکایی‌ها به اجرا درآوردند. ایالات متحده از عوامل مؤثر و اصلی بیگانه در نیروهای مسلح ایران بود که رابطه کاری نزدیکی با شاه و دیگر مخالفان داخلی مصدق داشت. آن‌گونه که افشین متین‌عسگری در مقاله «عصر پهلوی: مدرنیزه‌شدن ایران در بستر جهانی» در کتاب «تاریخ ایران» توضیح می‌دهد: «اسناد دیپلماتیک و گزارش‌های شخصی و نیز بیشتر مطالعات دانشگاهی کودتای سال ۱۳۳۲/م ۵۰ش را در چارچوب هراس آمریکا از تهدید قریب‌الوقوع کمونیسم در ایران توصیف کرده‌اند. در واقع از تهدید کمونیسم برای توجیه یک رشته اعمال استفاده شد که پایه‌های سه دهه برتری سیاسی اقتصادی ایالات متحده را در ایران بنا نهاد.» (ص ۴۱۴) متین‌عسگری در ادامه توضیح می‌دهد که البته رژیم ایران پس از ۱۳۳۲ هم کاملاً تحمیلی از جانب بیگانگان نبود؛ چراکه از حمایت تشکیلات سیاسی محافظه‌کار، افسران نظامی رده‌بالا،

تاریخ

بازخوانی بخشی از کتاب «کودتا» اثر یرواند آبراهامیان

تأثیر کودتای ۲۸ مرداد بر تقویت ذهنیت توطئه‌پنداری در ایران

محمدابراهیم فتاحی



با بریتانیا رابطه داشتند و ارتباط ارتش، لیبرال‌های اسلامی و اکثر هواداران رژیم سابق هم با آمریکا بود. گسترش نگاه پارانوئید صرفاً به رادیکال‌ها محدود نماند. سلطنت‌طلبان نیز نسخه خاص خود را از این موضوع روایت می‌کردند. شاه که همواره نسبت به نیت آمریکاییان و انگلیسی‌ها سوءظن داشت، حتی به افرادی که برای بازگرداندن او به سلطنت با سیا و MI6 همکاری کرده بودند، اعتماد نداشت. تا اواخر دهه ۱۳۳۰ بسیاری از چهره‌های کلیدی کودتا از صحنه سیاسی بیرون رانده شده بودند. سرلشگر زاهدی به خانه مجلل خود در سوئیس فرستاده شد، برادران رشیدیان به منزل‌شان در نایت‌بریج لندن و سرهنگ فرزانگان به سازمان ارتباطات بین‌المللی در آمریکا. تیمسار بختیار، پایه‌گذار ساواک تبعید شد و سپس از سوی همین سازمان به قتل رسید. کودتای ۲۸ مرداد هیچ قهرمان خاصی به جا نگذاشت، اما به عنوان قیام شاه و مردم گرامی

داشته می‌شد. واپسین وصیت‌نامه سیاسی شاه، یعنی کتاب «پاسخ به تاریخ»، سراسر سرشار از پرتیاش‌گویی فردی دچار پارانویا است. به ادعای او هدف انگلیس از حمله به ایران در سال ۱۳۲۰ این بود که از شر پدرش رهایی یابد. چون او به واسطه لغو امتیاز نفتی خشم آنان را برانگیخته بود، آنان در سال ۱۳۲۷ با همکاری حزب توده و فداییان اسلام برای ترور او دسیسه کردند، اما مشیت الهی در این مورد و دیگر موارد بر آنان غلبه کرده بود. آنان مخفیانه به مصدق در «پرچیدن بال‌های سلطنتی» یاری رسانده و در برنامه‌های نوسازی بلندپروازانه او مانع‌تراشی کردند. او می‌نویسد: «ما همواره به این موضوع مظنون بودیم که مصدق

عامل انگلیس است، سوءظنی که ژست ناسیونالیستی ضدانگلیسی او در سال‌های بعد، هرگز از شدت آن نکاست.» به باور شاه انگلیسی‌ها به همراه شرکت‌های نفتی و «روحانیون مرتجع» عملاً انقلاب اسلامی را به تلافی دفاع او از اوپک و آرمان فلسطینی‌ها طراحی کرده بودند. البته روس‌ها نیز از دوره کاترین کبیر به این سو بی‌وقفه برای سلطه بر ایران به منظور دستیابی به آب‌های گرم خلیج فارس و اقیانوس هند تلاش کرده‌اند. شاه به هنگام مرگ مدعی شد که سیا به همراه MI6 انقلاب سال ۵۷ را طراحی کردند، زیرا این اجرای این کار خطریر برای کا.گ.ب بسیار پیچیده بود. این دیدگاه پس از انقلاب اسلامی نیز کم و بیش استمرار یافت و چنین سوءظن‌هایی به کار آمد. در آبان ماه هنگامی که نظام نوپا در تلاش بود موقعیت خود را تحکیم نماید، عده‌ای دانشجویان را ترغیب کردند تا به بهانه توطئه

سیا برای تکرار کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، به سفارت آمریکا در تهران حمله‌رو شوند. در این میان، بخش عده‌ای از افکار عمومی متقاعد شده بود که سیا، قادر و همچنین مایل به انجام چنین کاری است. بنابراین جریان گروگان‌گیری ۴۴روزه اعضای سفارت آمریکا در تهران آغاز شد. برخلاف ایرانیان، آمریکاییان که اطلاعات اندکی درباره وقایع سال ۱۳۳۲ داشتند، کاملاً سردرگم بودند. شیخ کودتا اکنون برای تسخیر روابط آمریکا- ایران وارد عمل شده بود. بحران سال ۱۳۳۲ همچنین در بن‌بست طولانی مجادله آمریکا و ایران بر سر برنامه هسته‌ای نیز مؤثر واقع شد. در این قضیه، آمریکا به اهداف نظامی برنامه هسته‌ای ایران مشکوک است و ایران نیز به نوبه خود، بر اهداف غیرنظامی و صلح‌آمیز آن اصرار دارد. در این بن‌بست ایران، مستقیم و غیرمستقیم، به رویدادهای سال ۱۳۳۲ اشاره کرده و شباهت‌هایی را بین حق حاکمیت کشور برای غنی‌سازی اورانیوم و اقتصاد منابع طبیعی خود برقرار کرده است. همچنین شباهت‌هایی برقرار کرده است بین ادعاهای قبلی غرب مبنی بر اینکه ایرانیان فاقد دانش فنی برای اداره صنعت نفت بوده‌اند و حالا هم تلاش بر این است که آنها فاقد اعتبار اخلاقی لازم برای دانش فنی هسته‌ای نشان داده شوند. جمهوری اسلامی همچنین تحریم‌های غرب به رهبری آمریکا را به محاصره اقتصادی ایجادشده از سوی بریتانیا همسان دانسته است. همچنین شباهت‌هایی بین مذاکرات توحالی طی این دو بحران برقرار و استدلال کرده است که در هر دو مورد، قدرت‌های غربی علناً وانمود می‌کنند که از آمادگی لازم برای پذیرش «مصالحه‌ای منصفانه» برخوردارند، اما در واقع امر و برنامه پیوسته بر خواسته‌هایی اصرار دارند که از سوی ایران قابل پذیرش نیست. در سال‌های ۱۳۳۰-۳۲، نیت واقعی سرنگونی مصدق بود، اما اکنون نیت اصلی سرنگونی جمهوری اسلامی است.

کودتا علیه سیادت ملی

آرمان‌هایشان در مقابل سرکوب رژیم کودتا به تأمل پرداختند. این امر آشکارا در بیشتر آثار نثر و نظم دهه ۱۳۳۰ نشان داده شده است. بیشتر این آثار منعکس‌کننده حال‌وهوایی تیره‌وار و آکنده از ناامیدی است. متین‌عسگری «مدن‌نیسم بدبینانه» صافق هدایت نام می‌برد که از او یک نماد فرهنگی ساخت، دراین‌حال شاعرانی مانند مهدی اخوان‌ثالث و فروغ به خاطر «شب سیاه» و «فصل سرد» که بر کشور حاکم شده بود، سوگواری می‌کردند. بلافاصله پس از کودتا بسیاری از بهترین نویسندگان، شاعران و مترجمان کشور سال‌هایی را در زندان گذراندند، اتفاقی که فقط شکاف میان آنها و رژیم پهلوی را بیشتر کرد. مقاله متین‌عسگری یکی از مقالات شاهزاده‌گانه کتاب «تاریخ ایران» است که در سال ۲۰۱۴ از سوی انتشارات دانشگاه آکسفورد منتشر شده و ویراستار آن تورج دریایی است. این کتاب تاریخ مجمل ایران است که در نزدیک به ۵۰۰ صفحه از دوران پارتیه‌سنسکی و ظهور شاهنشاهی هخامنشی تا دوران پس از انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۸۸) را بررسی می‌کند. نگارش هر دوره تاریخی مهم را یک مورخ متخصص آن دوره بر عهده گفته است. این کتاب که اخیراً به همت انتشارات ققنوس و به قلم شهریانو صامی به فارسی ترجمه و منتشر شده در شانزده فصل به بررسی جامع دنیای ایرانی و تاریخ آن پرداخته و فراتر از مرزهای دولت-ملت کنونی رفته است و توجع دریایی در پیشگفتار ابتدای کتاب توضیحاتی درباره تاریخ و هویت ایرانی ارائه داده است. فلات ایران از دوران پارتیه‌سنسکی تا ظهور شاهنشاهی هخامنشی (کامیار عبدي)، ایلامیان (دانیل تی. پاتز) جامعه اوستایی (پروفس اکتور شررو)، شاهنشاهی هخامنشی (علیرضا شاپور شهبازی)، ایران در دوران اسکندر مقدونی و سلوکیان (اونجی‌لوس ونتیس)، شاهنشاهی اشکانی (ادوارت دومبرووا)، شاهنشاهی ساسانی (تورج دریایی)، ایران در آغاز دوره اسلامی (مایکل جی. مورونی)، ایران در سده‌های میانه (تکین یابوری)، مغول‌ها در ایران (جورج آی. لین، تیموریان و ترکمان: گذار و شکوفایی در قرن پانزدهم میلادی (علی انوشهر)، صفویان در تاریخ ایران (کاترین باباییان)، حمله افغان‌ها و برآمدن سلسله‌های زنده و افشاریه (کامران قایی)، ایران در دوره قاجار (منصوره اتحادیه نظام‌مافی)، عصر پهلوی: مدرنیزه‌شدن ایران در بستر جهانی (افشین متین‌عسگری) و ایران پس از انقلاب (مازیار بهروز) مقالات کتاب هستند. در انتهای کتاب نیز فهرست سلسله‌های حاکم بر ایران و نمایه آمده است.

مرد

زندگی سیاسی قوام‌السلطنه

● قوام‌السلطنه از قدرتمندترین و جنجالی‌ترین سیاست‌مداران عصر ناصری و پهلوی است. او کار خود را در آخرین سال‌های سلطنت ناصرالدین‌شاه در دربار آغاز کرد و در دوران سلطنت پنج پادشاه دیگر مصدر مقامات بزرگی شد. قبل از مشروطیت دو بار رئیس‌دفتر اختصاصی دو صدراعظم شد و مدتی هم ریاست دفتر مخصوص مظفرالدین‌شاه را عهده‌دار بود. قوام‌السلطنه در ۴۰ سال، ۲۴ دفعه وزارت امور خارجه را عهده‌دار بود، چهار نوبت وزیر مالیه شد و دو دفعه هم به وزارت جنگ منصوب شد و یک بار هم وزارت عدلیه را بر عهده گرفت، وی در ۳۱ سال پنج بار جامه صدارت پوشید و ۱۰ کابینه معرفی کرد و ۱۱ فرمان نخست‌وزیری برای او صادر شد. علاوه بر مناصب ذکرشده، سه سال فرمانروای کل خراسان و سیستان بود. دو دوره (ادوار چهارم و پنجم) وکیل دارالشورای ملی شد. در سال ۱۳۰۰ به مدت ۵۲ روز محبوس شد و قریب هفت سال (از ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۹) در اروپا در تبعید به سر می‌برد و ۱۱ سال در لاهیجان تحت نظر نظمیّه قرار داشت. در سال ۱۳۳۱ پس از نخست‌ست‌وزیری پنج‌روزه خود و قیام ۲۰ تیر، چندی دربه‌در و متواری و سرانجام تحت تعقیب جزایی قرار گرفت و به موجب قرار بازپرس، حق خروج از حوزه قضائی تهران از او سلب شد.

باقر عاقلی در کتاب «قوام‌السلطنه» که حاصل تحقیقی است دامنه‌دار بر اساس منابع و اسناد متعدد و معتبر، شرح زندگانی پرماجرا و پرفرازونشیب احمد قوام را به تفصیل شرح می‌دهد. قوام‌السلطنه در پنج نوبتی که زمام امور را در دست گرفت، با جنجال وارد کار شد و با یاهو و سروصدا از صحنه خارج شد. در نخستین روزهای خرداد ۱۳۰۰ وی در زندان و عسرت‌آباد زندانی بود که نگاه در زندان باز شد و شهاب‌الدوله شمس ملک‌آرا، رئیس تشریفات دربار سلطان احمدشاه، به ملاقات قوام‌السلطنه آمد و به اتفاق او به کاخ فرح‌آباد رفته، فرمان رئیس‌الوزارایی دریافت کرد و در همان ملاقات موافقت احمدشاه را برای آزادی زندانیان سیاسی سیدضیاءالدین که حدود ۲۰۰ نفر بودند، جلب و روز بعد تمام آنها را آزاد و چند نفر از آنها را رئیس‌الوزارایی خود بلادریگ مجلس چهارم را افتتاح کرد و به قیام‌های کلنل محمدتقی‌خان سوادکوهی در مازندران و سعدالدوله در تنکابن خامه داد. در همین نوبت برای مصدق‌السلطنه، وزیر مالیه خود، از مجلس اختیاراتی گرفت و به اصلاح امور مالی پرداخت و چارچوب بودجه مملکتی را برای اولین بار به مجلس برد. او پس از ۹ ماه زمامداری در دفاع از وزیر مالیه خود از کار کناره‌گیری کرد و جای خود را به مشیرالدوله داد. در دوران کوتاه صدارت مشیرالدوله، سردار سپه، وزیر جنگ، با استفاده از محافظه‌کاری دولت به سایر وزارتخانه‌ها دست‌درازی کرد و ازجمله اداره خالصجات و مالیات‌های مستقیم را که درآمد نقدی داشت، زیر سلطه خود گرفت و حکومت نظامی را در تهران و سایر شهرها برقرار کرد و با مطبوعات رفتاری خصمانه آغاز کرد. پس از مدتی کوتاه به علت ناتوانی مشیرالدوله در مقاومت علیه رضاخان، قوام دوباره به زمامداری بازگشت؛ زیرا فقط او بود که می‌توانست جلوی تندروی‌های ماجراجویی‌های رضاخان را بگیرد. قوام در دوره دوم نخست‌وزیری خود (سال ۱۳۰۱) اقدامات مؤثری انجام داد ازجمله قانون هیئت‌منصفه و محاکمه وزرا را تقدیم مجلس کرد و به تصویب رساند، قانون استخدام را تهیه و تسلیم مجلس کرد، قانون تشکیل خزانه‌داری کل را به تصویب مجلس رساند، قانون اعزام محصلان نظامی به اروپا را در مجلس به تصویب رساند و قوانین حق‌الارض خالصه و مالیات بر کتیرا را در مجلس گذراند، قوانین استخدام قضات، اصول محاکمات حقوقی، اصول محاکمات صلح نواحی تماماً در این دوره با تلاش قوام تصویب شد. او به علت سنگ‌اندازی‌های رضاخان و ازدست‌دادن اکثریت حامی خود در مجلس، در بهمن ۱۳۰۱ استعفاى خود را تقدیم احمدشاه کرد. در مهر ۱۳۰۲

به وزارت جنگ احضار شد و پس از بازجویی بازداشت شد؛ ظاهراً اتهام او رهبری شبکه‌ای بوده است که قصد ترور رضاخان، سردار سپه را داشته است. این پرونده ساخته و پرداخته پلیس بود. او پس از ۱۴ روز بازداشت در زندان قراق‌خانه، آزاد شد و به اروپا رفت. او تا ۱۳۰۹ در پاریس زیست و در آن سال اجازه ورود او به کشور داده شد. نقش آفرینی قوام‌السلطنه در دوره محمدرضا پهلوی ادامه یافت و او سه بار دیگر، البته کوتاه‌مدت، نخست‌وزیر ایران شد و در وقایع مهمی همچون ماجرای فرقه دموکرات آذربایجان، مذاکره با استالین و ماجرای امتیاز نفت شمال و قیام ۳۰ تیر حضور داشت که در این کتاب به تفصیل به آنها پرداخته شده است.

قوام‌السلطنه



باقر عاقلی
ناشر: جاویدان با
همکاری انتشارات
بدر قوام‌جاویدان
قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان